

بانک مرکزی در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی و ارائه راهکارهای ارتقای عملکرد بانک مرکزی در اقتصاد ایران

h-samsami@sbu.ac.ir

alirezashakhes@gmail.com

حسین صمصامی / استادیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

علیرضا محمدی / دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه عدالت

دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۱۶

چکیده

یکی از لوازم تحقق بانکداری اسلامی، طراحی نهاد بانک مرکزی بر اساس ارزش‌ها و اصول اسلامی است. پیش‌نیاز طراحی بانکداری مرکزی اسلامی، توجه به ساختار پولی و نهادی اسلامی است. با توجه به محدود بودن مطالعات در حوزه بانکداری مرکزی در ادبیات اقتصاد اسلامی، مطالعه حاضر با استفاده از روش تحلیلی به ارائه الگوی مطلوب بانکداری مرکزی در نظام بانکی اسلامی می‌پردازد. بنا به فرضیه تحقیق، بانک مرکزی در اقتصاد اسلامی در مقایسه با بانک مرکزی در اقتصاد متعارف دارای ماهیت، ساختار، اهداف، ابزارها و سیاست‌های متفاوت است. بر اساس نتایج تحقیق، الگوی پیشنهادی بانکداری مرکزی اسلامی ساختار جدیدی از نظام پولی و بانکی اسلامی ارائه می‌دهد. در این ساختار نوین، بانک‌ها فاقد قدرت خلق پول بوده (ذخیره‌گیری کامل) و خلق پول تنها توسط بانک مرکزی اسلامی صورت می‌گیرد. در این الگو، نهاد بانک به جایگاه واقعی واسطه‌گری مالی باز می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: بانکداری مرکزی، بانک مرکزی، بانکداری مرکزی اسلامی، ذخیره‌گیری کامل، هدایت پول و اعتبار.

طبقه‌بندی JEL: E5, E58, E59

با توسعه صنعت بانکداری و افزایش نیاز دولت‌ها به تأمین مالی (عمدتاً تأمین هزینه جنگ‌ها) در اواخر قرن هفدهم میلادی، بانک مرکزی در کشورهای سوئد، انگلستان و هلند تأسیس شد (وود، ۲۰۰۵، ص ۹). در آن زمان، مفهوم «بانکداری مرکزی» و مباحث نظری مربوط به آن وجود نداشت و بانک مرکزی تنها به‌عنوان یک نهاد مالی (به صورت نیمه‌دولتی) تأمین‌کننده هزینه‌های دولت شناخته می‌شد. قریب یکصد سال بعد و در قرن نوزدهم میلادی، همزمان با شکل‌گیری مفهوم «پول اعتباری» و حق انحصار انتشار پول توسط دولت‌ها، برای اولین بار، مباحث نظری در خصوص بانکداری مرکزی مطرح گردید (بوردو، ۲۰۰۷، ص ۱).

شکل‌گیری بانکداری مرکزی و بانک مرکزی در اقتصاد متعارف، فارق از بسترهای نهادی، ساختار مالی حاکم بر آن (نظیر پول و بانک) و همچنین فضای فکری رایج در اقتصاد سرمایه‌داری نبوده است. در اقتصاد اسلامی نیز طراحی نهادی پولی مانند بانک مرکزی، که واجد ارزش‌ها و اهداف نظام اقتصاد اسلامی باشد، بدون توجه به زیرساخت‌های نهادی آن میسر نخواهد بود. در چارچوب اقتصاد اسلامی، هرچند برخی از اهداف مقام پولی (بانک مرکزی) مشابه با اهداف سیاست‌گذار پولی در اقتصاد متعارف است (همچون بهبود ثبات اقتصاد کلان، تثبیت قیمت‌ها، تولید در سطح اشتغال کامل)، اما اهداف وسیع‌تری در اقتصاد اسلامی (نظیر توزیع و هدایت عادلانه و کارآمد منابع نظام بانکی در جهت رشد اقتصادی پایدار و بلندمدت، ایجاد اشتغال مفید، بهبود استانداردها و کیفیت زندگی و کاهش فقر) مقصود است (عسکری و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۲۷۲).

در حوزه اقتصاد اسلامی، با وجود مطالعاتی که در زمینه با مباحث بانکداری اسلامی صورت گرفت کمتر به موضوع «بانک مرکزی» و «بانکداری مرکزی» توجه شده است. کمبود مطالعات جامع در حوزه بانکداری مرکزی در اقتصاد اسلامی، از آنجا ناشی می‌شود که بیشتر محققان در حوزه اقتصاد اسلامی، بانک مرکزی را نهادی پذیرفته شده تلقی کرده و تنها به دنبال ارائه ابزارهای سیاستی سازگار با شریعت اسلام بوده‌اند. مطالعه حاضر با استفاده از روش «کتابخانه‌ای» و به صورت «تحلیلی - توصیفی» به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا در چارچوب اقتصاد اسلامی، می‌توان الگویی مطلوب برای بانکداری مرکزی ارائه داد؟.

فرضیه مطالعه حاضر این است که بانک مرکزی در اقتصاد اسلامی، در مقایسه با بانک مرکزی در اقتصاد متعارف، دارای ماهیت، ساختار، اهداف، ابزارها و سیاست‌های متفاوتی است. در این زمینه، با مروری بر ادبیات موضوع در اقتصاد اسلامی و متعارف، ضمن توجه به رویکردهای انتقادی به بانکداری متعارف و ادبیات بانک‌داری، با ذخیره‌گیری کامل و همچنین تمرکز بر ماهیت پول و بانک در اقتصاد اسلامی، به دنبال تبیین الگوی مطلوب بانک مرکزی اسلامی برای ارتقای عملکرد بانک مرکزی در اقتصاد ایران می‌باشیم. در مطالعه حاضر، الگوی پیشنهادی «بانکداری مرکزی اسلامی» ساختار جدیدی از نظام پولی و بانکی اسلامی ارائه می‌دهد که در آن، بانک‌ها فاقد قدرت خلق پول بوده (ذخیره‌گیری کامل) و خلق پول تنها توسط بانک مرکزی اسلامی صورت می‌گیرد، و نهاد بانک به جایگاه واقعی واسطه‌گری مالی بازمی‌گردد. با توجه به پیش‌فرض‌های در نظر گرفته شده در الگوی پیشنهادی، وجه تمایز بارز

بانکداری مرکزی اسلامی در مقایسه با بانکداری مرکزی متعارف، نگرش متفاوت به ماهیت پول و بانک و به تبع آن، طراحی بانک مرکزی اسلامی با ساختار و وظایف متفاوت است. مهم‌ترین وظایف بانک مرکزی اسلامی خلق پول و مدیریت عرضه پول و هدایت پول و اعتبار به سمت فعالیت‌های مولد و تولیدی با هدف حداکثرسازی رشد اقتصادی، افزایش اشتغال و کمک به بهبود عدالت اقتصادی است.

در ادامه، ابتدا ادبیات موضوع مرور می‌شود. در بخش بعدی ضمن اشاره به ماهیت پول و بانک در اقتصاد اسلامی، الگوی مطلوب بانکداری مرکزی اسلامی ارائه خواهد شد. در بخش بعدی، راهکارهای ارتقای عملکرد بانک مرکزی در اقتصاد ایران در چارچوب الگوی پیشنهادی بانک مرکزی اسلامی ارائه خواهد شد. بخش پایانی مقاله به نتیجه‌گیری و پیشنهادات اختصاص دارد.

بانکداری مرکزی در اقتصاد متعارف

بانک مرکزی و بانکداری مرکزی در اقتصاد متعارف، مولود تفکرات و ایده‌های اقتصاددانان، سیاستمداران (دولت) و بانک‌داران خصوصی بوده است. از این رو، ایجاد نهاد «بانکداری مرکزی» صرفاً معطوف به یک نظریه خاص اقتصادی نبوده، بلکه همگام با نیازمندی‌های بازارهای مالی در زمان خود بوده است. نکته مهم آن است که میان بانک مرکزی و بانکداری مرکزی تفاوت وجود دارد. بانک مرکزی به‌عنوان یک نهاد پولی و مالی، دارای سابقه تاریخی طولانی بوده (قریب ۳۵۰ سال)، اما بانکداری مرکزی به‌عنوان یک مفهوم پولی و اقتصادی قریب یکصد سال است که وارد ادبیات اقتصادی متعارف شده است (دیویس و گرین، ۲۰۱۰، ص ۹).

در بانکداری متعارف، به طور عمده، سه نوع (شکل) پول وجود دارد که عبارتند از: اسکناس، مسکوک، و سپرده‌های بانکی (عسکری و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۳۷۲). در این سیستم، بانک مرکزی اسکناس و مسکوک را از طریق بانک‌ها به اقتصاد تزریق می‌کند. بانک‌ها نیز از طریق وام‌دهی، پول را به سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان انتقال می‌دهند. در این چارچوب، هرگاه بانک‌ها وام‌دهی خود را افزایش می‌دهند، منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش تولید می‌شود. از سوی دیگر، تسهیلات‌دهی بانک‌ها در عمل، موجب افزایش سپرده‌های بانکی شده، نوع دیگری از پول را در اقتصاد به وجود می‌آورد که خالق آن بانک‌ها و نه بانک مرکزی است.

در سیستم بانکداری متعارف و بر اساس سیستم ذخیره‌گیری جزئی، بانک می‌تواند میزان سپرده‌ای را که جذب می‌کند، در مجموع، تا چند برابر آن را قرض با بهره دهد و به نوعی سپرده جدید خلق کند. در سیستم بانکداری متعارف، بانک‌های مرکزی در چارچوب سیاست پولی، با استفاده از ابزارهایی، به دنبال اثرگذاری و مدیریت عرضه پول و نرخ‌های بهره می‌باشند. از جمله این ابزارها، می‌توان به عملیات «بازار باز» (خرید و فروش اوراق خزانه دولتی و اوراق شرکتی و سایر اوراق بهادار)، پنجره تنزیل (وام‌دهنده نهایی) و تغییر نرخ‌های ذخایر (اعم از قانونی و دیداری) اشاره کرد. علاوه بر این، از ابزارهای نظارتی و احتیاطی دیگری، نظیر برخوردهای قانونی و سلب صلاحیت از هیئت مدیره بانک‌ها، و استفاده از سیاست‌های ارتباطی و روابط عمومی در این جهت استفاده می‌شود. همچنین در بانکداری مرکزی متعارف، بانک‌های مرکزی با استفاده از سخنرانی‌ها و اعلانات عمومی، سعی بر اثرگذاری بر

انتظارات تورمی فعالان اقتصادی دارند. بانک مرکزی با استفاده از سیاست پولی، با تکیه بر بانک‌ها، به طور غیرمستقیم به دنبال پی‌گیری اهداف خود است. اما چون عملیات بانکداری مبتنی بر سیستم «ذخیره‌گیری جزئی» است، نقش بانک مرکزی در اجرای سیاست پولی در چارچوب سیستم مالی متعارف، می‌تواند با نااطمینانی و بی‌ثباتی همراه باشد و در نهایت، می‌تواند منجر به قدرت فزاینده بانک‌ها و بروز بحران‌های پولی و بانکی گردد. به‌طور کلی، سه دیدگاه نظریه در خصوص بانکداری متعارف وجود دارد که هر کدام در دوره‌هایی از قرن بیستم مطرح‌نظر بوده و طرفداران و مخالفان خود را داشته است (ورنر، ۲۰۱۶، ص ۲):

رویکرد اول بر این مهم تأکید دارد که بانک‌ها تنها واسطه‌های مالی می‌باشند که منابع را جمع می‌کنند و تخصیص می‌دهند. به عبارت دیگر، بانک‌ها سپرده‌های اشخاص را جمع‌آوری کرده، آنها را به دیگر قرض می‌دهند. این رویکرد نظریه «واسطه‌گری مالی» نامیده می‌شود.

رویکرد دوم نظریه «ذخیره جزئی» یا همان «ضریب فزاینده» است. بر اساس الگویی مبتنی بر ذخایر جزئی، بانک‌ها نسبتی از سپرده‌ها را نزد بانک مرکزی نگهداری می‌کنند و مابقی را می‌توانند اعتبار دهند.

اما رویکرد دیگری نیز وجود دارد که به نظریه «خلق پول» شناخته می‌شود. براین اساس، هر بانک می‌تواند به تنهایی همه وام‌ها را از هیچ خلق کند و نیازی به جذب سپرده پیش از آن وجود ندارد. مطالعات و شواهد بسیاری نظیر کار مالی و همکاران (۲۰۱۴)، و ورنر (۲۰۱۴) وجود دارد که نشان می‌دهد ماهیت واقعی بانکداری در اقتصاد متعارف، خلق پول توسط بانک‌هاست. از این رو، در بانکداری متعارف، در عمل بانک‌ها واسطه‌گر وجوه نیستند، بلکه آنها منابع خود را از طریق وام‌دهی خلق می‌کنند و همزمان اقدام به ایجاد وام و سپرده می‌کنند.

پیشینه تحقیق در حوزه بانکداری مرکزی متعارف

در اقتصاد متعارف، مطالعات وسیعی در حوزه بانک مرکزی و بانکداری مرکزی صورت گرفته است که می‌توان آنها را در قالب موضوعاتی همچون تاریخ بانکداری مرکزی، بررسی مقایسه‌ای جایگاه و عملکرد بانک مرکزی در کشورهای گوناگون، اقتصاد سیاسی و مباحث نهادی بانک مرکزی، اهداف، ابزارها و سیاست‌های بانک مرکزی و آینده بانکداری مرکزی (پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸) طبقه‌بندی کرد (جدول ۱). نکته مهمی که در مقدمه بیشتر مطالعات صورت گرفته در حوزه بانک مرکزی و بانکداری مرکزی در اقتصاد متعارف بر آن تأکید می‌شود، شکنندگی بنیادین بازارها و سیستم‌های مالی و همچنین بی‌ثباتی ذاتی بانکداری در اقتصاد متعارف است.

جدول ۱. مطالعات در حوزه بانک مرکزی در اقتصاد متعارف

حوزه مطالعاتی	برخی مطالعات
نظریه و تاریخ بانکداری مرکزی	گودهارت (۱۹۸۵)، وود (۲۰۰۵، ۲۰۱۵) و اوکلینی (۲۰۱۷)
بررسی مقایسه‌ای جایگاه و عملکرد بانک مرکزی در کشورهای گوناگون	اختر حسین (۲۰۰۹، ۲۰۱۵)، اندرسن (۲۰۱۶)
اقتصاد سیاسی و مباحث نهادی بانک مرکزی	اسمیت (۱۹۹۰)، بلاندر (۲۰۰۴)، بنز و کاموف (۲۰۱۲)، ورنر (۲۰۱۴ و ۲۰۱۶)، دیموزیو و رابینز (۲۰۱۷)
اهداف، ابزارها و سیاست‌های بانک مرکزی	بلاندر (۱۹۹۸)، سیکلوس و همکاران (۲۰۱۰)، میشکین (۲۰۱۳)، میشکین و همکاران (۲۰۱۳)، چوکا (۲۰۱۵)، سچینی و شونهورتز (۲۰۱۵)
آینده بانکداری مرکزی (پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸)	دیویس و گرین (۲۰۱۰)، موئنیاک (۲۰۱۴)، سیکلوس (۲۰۱۷)

رویکردهای انتقادی به بانکداری متعارف

خارج از جریان اصلی مطالعاتی در حوزه بانکداری متعارف، گروهی از اقتصاددانان با رویکردی انتقادی به ماهیت پول و عملکرد نظام بانکداری متعارف، نظرات جدیدی را به منظور اصلاح نظام پولی مطرح کرده‌اند. این قبیل مطالعات، به ویژه پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸، طرفداران بیشتری یافت. برخی از نکات مهم قابل توجه در این مطالعات، عبارت است از:

- یکی از ویژگی‌های بارز نظام بانکداری متعارف آن است که منافع عمده آن در اختیار گروه خاصی است؛ اما هزینه‌ها و ریسک‌های آن برای کل جامعه است (دیکسپهون، ۲۰۱۳، ص ۱).

- نظام پولی موجود در دنیا، غیر دموکراتیک، ناعادلانه و ناپایدار است. ادامه روند موجود ضمن تعمیق نابرابری‌ها در اقتصاد، از نظر زیست‌محیطی و اخلاقی نیز نتایج فاجعه‌باری به دنبال خواهد داشت. پول مبتنی بر بدهی (خلق پول بانک‌ها) موجب این امر می‌شود که همواره بدهی‌ها بیش از توان پرداخت آنها باشد (دیموزیو و رایبیز، ۲۰۱۷).

- روش خلق پول (خلق پول بانک‌ها) در حال حاضر، به طور طبیعی تورم‌زاست (روبوتام، ۲۰۰۹، ص ۳۹).
- خلق پول و اعتباردهی توسط بانک‌ها الزاماً بر پایه نیاز بخش حقیقی اقتصاد نیست. از این رو، سیستم پولی نیاز به رشد مستمر اقتصادی دارد که این امر مستلزم مصرف انرژی بیشتر، تخریب محیط زیست و پیامدهای اجتماعی دیگر است. از این رو، هرگونه کاهش در رشد اقتصادی می‌تواند منجر به بحران اقتصادی شود (دیکسپهون، ۲۰۱۳، ص ۱).

خلق پول مبتنی بر قرض همراه با بهره توسط بخش خصوصی، منجر به انباشت ثروت در دست گروهی کوچک شده، چرخه‌ای از بدهی، ناتوانی در پرداخت و ورشکستگی را به وجود آورده است. در بُعد اقتصاد کلان نیز این شکل خلق پول زمینه‌ساز بیشتر بحران‌های پولی و مالی و به تبع، آن متأثر ساختن بخش حقیقی اقتصاد بوده است (زارلنگا، ۲۰۰۲، ص ۸-۱).

- استدلال اصلی علیه خلق پول توسط دولت این است که نیازمندی‌های سیاسی می‌تواند منجر به ایجاد بیش از حد پول شود، که به نوبه خود، می‌تواند تورم و کاهش ارزش پول را به دنبال داشته باشد. این در حالی است که غالباً تورم عظیم را می‌توان به عواملی غیر از خلق پول بیش از حد دولت نسبت داد (دیموزیو و رایبیز، ۲۰۱۷، ص ۱۱۲).

- انتقاد دیگر به خلق پول دولت این است که عرضه پول تنها توسط دولت برای رشد اقتصادی ناکافی است. اما تجربه اقتصاد آمریکا نشان می‌دهد هنگامی که خلق پول در اختیار بانک‌های خصوصی بوده (به علت رفتار موافق سیکلی آنها) به رکودهای عمیق‌تری منجر شده است (بنز و کاموف، ۲۰۱۲، ص ۱۶).

- پول خصوصی (پول بانک‌ها) از طریق قرض دادن با نرخ بهره مثبت به وجود می‌آید، درحالی‌که دارندگان این پول، با توجه به مزایای غیرمستقیم نقدینگی، عملاً بهره پایین‌تری دریافت می‌کنند (نتیجه رفتار منفعت‌جویانه بانک‌ها) (زارلنگا، ۲۰۰۲، ص ۸-۱).

- بانک‌ها از طریق افزایش اعتبارات و انبساط پول (به صورت موافق سیکلی)، موجب افزایش قیمت‌ها می‌شوند و هنگام رکود، با کاهش اعتبارات و انقباض پول، منجر به تشدید رکود می‌گردند. از این رو، که بانک‌ها به دنبال حداکثر ساختن سود خود می‌باشند، در بحث خلق پول و اعطای اعتبار نیز صرفاً ملاک سودآوری و منافع بانک مطرح است. از این رو، طبیعی است که در اختیار گذاشتن قدرت خلق پول به بانک‌ها، نمی‌تواند منافع عمومی را تامین کند (همان).

- به‌طور کلی، خلق پول توسط بانک‌ها می‌تواند منجر به افزایش سرمایه پولی مستقل از تولید واقعی و فیزیکی شود. علاوه بر این، خلق اعتبار بدون پشتوانه حقیقی در اقتصاد، منجر به انحراف پس‌اندازهای حقیقی از فعالیت‌های مولد و تولیدی به فعالیت‌های غیرمولد می‌شود که در نهایت، تضعیف فرایند توزیع ثروت حقیقی را در پی خواهد داشت. در بانکداری متعارف، ساختار انگیزشی، که از سوی مقام پولی برای مدیریت سبد دارایی‌ها ایجاد شده (از طریق تغییرات نرخ بهره)، ممکن است به سبب ناکارآمدی سیستم بانکی، پیام‌های لازم را به بخش خصوصی منتقل نکند. برای مثال، اگر ذخایر اضافی، که از طریق کاهش نرخ ذخیره قانونی برای بانک ایجاد شده، به جای خرید اوراق دولتی، صرف وام‌دهی به بخش خصوصی و افزایش مصرف و سرمایه‌گذاری شود، ممکن است منجر به انحراف در اهداف اجرای سیاست پولی گردد. از این رو، ملاحظه می‌شود که استفاده از نرخ بهره به‌عنوان ابزار اصلی سیاست پولی، می‌تواند انگیزه برای انحراف در بازارهای پولی و مالی ایجاد کند.

با توجه به مطالب پیش گفته ملاحظه می‌شود که در چنین ساختاری، هر قدر هم بانک‌های مرکزی از ابزارها و سیاست‌های گوناگونی برای مقابله با ادوار تجاری و بحران‌های پولی و مالی استفاده کنند، در نهایت، به خاطر ماهیت پول و عملکرد نظام بانکی موجود، نمی‌توانند از مخاطرات و آثار سوء آن بر اقتصاد کلان رهایی یابند.

بانکداری با ذخیره‌گیری کامل

در خصوص اصلاحات پولی و انتقال از سیستم بانکداری متعارف به سیستمی جایگزین (که دارای منافع بیشتری برای عموم جامعه بوده و معایب و اشکالات بانکداری متعارف را نداشته باشد) نظرات و الگوهای متفاوتی طی یکصد سال اخیر (خارج از جریان اصلی اقتصاد متعارف) مطرح شده است. غالباً این نظریه‌پردازی‌ها به دنبال حذف و یا محدود کردن قدرت خلق پول بانک‌ها از طریق ذخیره‌گیری کامل (ذخیره قانونی صددرصد) بوده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف. طرح شیکاگو (Chicago Plan)، ارائه شده توسط فیشر (۱۹۳۶)؛

ب. پول مثبت (Positive Money) یا (Sovereign Money)، ارائه شده توسط جکسون و دیسون (۲۰۱۲)؛

ج. بانکداری محدود (Narrow Banking)، ارائه شده توسط کی (۲۰۰۹)؛

د. بانکداری با هدف محدود (Limited Purpose Banking)، ارائه شده توسط کوتلیکوف (۲۰۱۰)؛

ه. پیشنهادات طرفداران مکتب «اتریش» (نظیر دسونو، ۲۰۰۶ و دیگران).

رویکردهای گوناگون بانکداری با ذخیره‌گیری کامل، دارای ویژگی‌های مشترکی می‌باشند که برخی از آنها عبارتند از:

یک. در بانکداری با ذخیره‌گیری کامل، وظایف پولی و اعتباری سیستم بانکی از یکدیگر تفکیک می‌شود.

دو. خلق پول به طور متمرکز در اختیار یک نهاد عمومی مستقل، دولت یا بانک مرکزی است. (البته دیدگاه

مکتب اتریش متفاوت است).

سه. انواع حساب‌های دیداری دارای ذخیره کامل نزد بانک مرکزی است، و یا آنکه حساب‌های دیداری حذف

شده و صرفاً در اختیار بانک مرکزی قرار دارد.

چهار. در این رویکرد، دولت مقدار پول را کنترل می‌کند و نه سرعت گردش آن را.

پنج. حساب‌های دیداری فاقد بهره است؛ زیرا بانک قابلیت وام‌دهی از سپرده‌ها را ندارد.

شش. بیمه سپرده‌ها حذف می‌شود.

هفت. اگر کسی دنبال بهره باشد، می‌تواند از حساب سرمایه‌گذاری و مؤسسات سرمایه‌گذاری استفاده کند، در این حالت، سپرده‌گذار و بانک در ریسک‌های احتمالی شریک می‌باشند.

هشت. بانک‌ها واسطه‌گر واقعی وجوه بوده و خود پولی (از هیچ) خلق نمی‌کنند، بلکه ابتدا قرض می‌گیرند و سپس قرض می‌دهند.

نه. پول لازم در اقتصاد، بر اساس قاعده «رشد پول» و یا صلاح‌دید بانک مرکزی یا دولت عرضه می‌شود. از این رو، ورود پول جدید یا خروج پول از اقتصاد وابسته به مخارج یا مالیات‌های دولت است.

ده. بانک‌ها این پول جدید را بر اساس قواعد اعتباری مشخص به بخش‌های حقیقی اقتصاد هدایت می‌کنند. یازده. در این رویکرد، گسترش تورمی اعتبار وجود ندارد، اما همچنان انگیزه سودآوری بانک‌ها وجود دارد. دوازده. سیستم پرداخت یک شیوه عمومی است و نباید از وضعیت نامساعد ترانزنامه‌ای بانک‌ها و یا بحران‌های بانکی متأثر شود.

موافقان و مخالفان رویکرد «بانک‌داری با ذخیره‌گیری کامل»، استدلال‌های گوناگونی را در تأیید و رد این رویکرد ارائه می‌دهند. در جدول ذیل به برخی از آنها اشاره شده است:

جدول ۲. دلایل موافقان و مخالفان بانک‌داری با ذخیره‌گیری کامل

دلایل موافقان	دلایل مخالفان
از بین بردن ریسک بحران‌های بانکی و کاهش دامنه چرخه‌های تجاری	رشد بانک‌داری سایه‌ای و بازار غیرمتشکل پولی و در نهایت، بی‌ثباتی مالی
کاهش نابرابری، ورشکستگی و ناپایداری رشد اقتصادی	عدم تخصیص بهینه منابع مالی
بازگشت بانک‌ها به جایگاه واسطه‌گری واقعی وجوه	کاهش رشد اقتصادی و محدود شدن سیستم مالی
چون پول وابسته به بدهی نیست، می‌تواند سطح بدهی عمومی و خصوصی را کاهش دهد	نااطمینانی از آثار آن و نبود حمایت سیاسی
تسهیل مهار تورم	

جالب اینجاست که اقتصاددانان طرحی همچون فریمن و توپین بحث فیشر در خصوص «بانک‌داری با ذخیره-گیری کامل» و حذف قدرت خلق پول بانک‌ها را تأیید کرده‌اند (ر.ک: بنز و کاموف، ۲۰۱۲).

پیشینه تحقیق در حوزه بانک‌داری اسلامی با تمرکز بر بانک‌داری مرکزی

عمده نظریه‌پردازی‌ها و مطالعات کاربردی در حوزه پول و سیاست‌های پولی در اقتصاد اسلامی را می‌توان در قالب موضوعات شناخت ماهیت پول و بهره، بانک‌داری اسلامی، طراحی ابزارهای کنترلی و نظارتی بانک مرکزی بر بانک‌های اسلامی، طراحی ابزارهای غیر ربوی در سیاست پولی و تحلیل سیاست پولی در اقتصاد اسلامی طبقه‌بندی کرد. همچنین مطالعات محدودی در حوزه بانک‌داری مرکزی و تحلیل سیاست پولی در اقتصاد اسلامی صورت گرفته است (جدول ۳).

جدول ۳. مطالعات در حوزه پول و سیاست‌های پولی در اقتصاد اسلامی

حوزه مطالعاتی	برخی مطالعات
شناخت ماهیت پول و بهره	داودی و همکاران (۱۳۸۵)، شعبانی (۱۳۹۰)، مجاهدی موخر و همکاران (۱۳۹۲)
بانکداری اسلامی	توتونچیان (۱۳۷۹)، صمصامی و داودی (۱۳۸۹)، شعبانی (۱۳۹۲)، موسویان و میثمی (۱۳۹۵)، قحف (۲۰۰۵)
طراحی ابزارهای کنترلی و نظارتی بانک مرکزی بر بانک‌های اسلامی	احمد (۲۰۰۰)، مطلب (۲۰۱۶)
طراحی ابزارهای غیربوی در سیاست پولی	فراهانی‌فرد (۱۳۷۸)، کمیجانی و همکاران (۱۳۹۲)، چاپرا (۱۹۸۳، ۱۹۹۶)، زنگنه و سلام (۱۹۹۳)، خطاط (۲۰۱۶)
بانکداری مرکزی و تحلیل سیاست پولی در اقتصاد اسلامی	ملکی (۱۳۹۳)، موسویان و میثمی (۱۳۹۶)، عسکری و همکاران (۲۰۱۵)، اودین و حلیم (۲۰۱۵)

عمده مطالعات اقتصاد اسلامی در حوزه بانکداری، که به موضوع بانکداری مرکزی پرداخته، بانکداری مرکزی در اقتصاد متعارف را به‌طور کلی، تأیید کرده و تنها ابزارهای قابل استفاده از سوی سیاست‌گذار پولی را از منظر فقهی و اسلامی نقد و پیشنهادهای برای جای‌گزینی آنها ارائه داده است. این موضوع به روشنی در مطالعات صورت گرفته داخلی و خارجی نمایان است. برای نمونه، موسویان و میثمی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای بر این نکته تأکید دارند که بخش عمده دانش علمی و کاربردی بانکداری مرکزی در اقتصاد متعارف، نه تنها با مبانی فقه اسلامی و قانون «عملیات بانکی بدون ربا» در تعارض نیست، بلکه به سبب آثار مثبتی که دارد (مانند مهار تورم و حفظ ارزش اموال مسلمانان)، می‌تواند در چارچوب اسلامی تأیید شود. علاوه‌براین، ملکی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای کارکردها و ترتیبات نهادی بانکداری مرکزی اسلامی را بررسی است. وی ابتدا با ارائه الگوی پیشنهادی برای اصلاح نظام بانکداری اسلامی و تحلیل کارکردهای پول و بانک در اندیشه اسلامی، به مقوله «بانکداری مرکزی» پرداخته است. وی قاعده پولی بهینه‌ای را در چارچوب نظام بانکداری اسلامی ارائه می‌کند، هرچند در این مطالعه، به چرایی استفاده از قاعده هدف‌گذاری تورم و ارتباط آن با قاعده پولی بهینه در چارچوب بانکداری اسلامی اشاره‌ای نشده است.

در سوی مقابل، صمصامی و داودی (۱۳۸۹) برخلاف مطالعات پیش‌گفته، ضمن نقد ساختار و عملیات کنونی نظام بانکی، آن را منطبق با ماهیت و نوع عملیات بانکی مقرر در قانون عملیات بانکی بدون ربا ندانسته و این نبود انطباق و شبه ربوی بودن فعالیت نظام بانکی را ریشه اصلی چالش‌ها و معضلات نظام بانکی شمرده‌اند. ایشان، در کنار برشمردن فعالیت‌های اصلی قانون «عملیات بانکی بدون ربا»، الگویی پیشنهادی (الگوی تفکیک) برای پیاده‌سازی صحیح این فعالیت‌ها ارائه می‌کنند. در این الگو، به سه سازوکار «بانک قرض‌الحسنه»، «بانک سرمایه‌گذاری»، و «شرکت‌های لیزینگ» توجه شده و نحوه تجهیز و تخصیص منابع هر کدام از آنها و همچنین مراحل اجرا و فرایندهای آن بیان گردیده است. آنها به این نکته اشاره می‌کنند که اجرای صحیح الگوی مطلوب بانکداری اسلامی مستلزم بازنگری در مقوله بانکداری مرکزی است.

مفهوم «پول» و «بانک» در اقتصاد اسلامی

«پول» در اقتصاد متعارف - همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد - مبتنی بر بدهی است و بر اساس قرض همراه با بهره

ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر، تمام پول‌های موجود (نقدینگی) در واقع، بدهی سیستم بانکی به جامعه است. در این ساختار (متعارف)، بازار پول وجود دارد؛ زیرا این بدهی با قیمتی به نام نرخ بهره قابل معامله است. اما از منظر اسلامی، پول ارزش مبادله‌ای محض اشیا و قدرت خرید کل است و یک مال اعتباری به‌شمار می‌رود و این اعتبار را در پرتو اعتبار دولت و مقبولیت عامه مردم به دست می‌آورد. از منظر اسلامی، پول کالا نیست و پول با پول قابل معامله نیست. در سیستم مالی اسلامی، وظایف واسطه‌گری وجوه (وظایف پولی) از وظایف اعتباردهی و سرمایه‌گذاری تفکیک شده است؛ زیرا پول در این سیستم، مبتنی بر بدهی همراه با بهره نیست. در یک سیستم مالی اسلامی، بدهی‌هایی که یک واحد اقتصادی ایجاد می‌کند، ضرورتاً با ویژگی‌های سرمایه‌گذاری آن نزدیک است. همچنین بدهی‌هایی که واسطه‌های مالی ایجاد می‌کنند، همان دارایی‌هایی می‌باشند که به صورت ذخایر نزد بانک مرکزی نگهداری می‌کنند. از این‌رو، در حالت مطلوب اقتصاد اسلامی، بازار پول و ابزار بدهی نمی‌تواند وجود داشته باشد. علاوه بر این، در میان فقها، اجماعی در خصوص تنزیل و خرید و فروش اوراق بدهی (به‌عنوان مثال چک) شکل نگرفته است. به‌طور کلی، از مجموعه احکام فقهی ذکر شده درباره پول می‌توان چنین نتیجه گرفت که معاملات پولی در اسلام، محدودیت‌های بسیاری دارد و بازار پول به معنای حقیقی‌اش و بحران‌های اقتصادی حاصل از آن - که عموماً در اقتصاد سرمایه‌داری شکل می‌گیرد - در سیستم اقتصاد اسلامی وجود نخواهد داشت (داودی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۷۲؛ عسکری و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۲۸۷).

در میان محققان اقتصاد اسلامی، دو رویکرد عمده نسبت به مقوله بانکداری وجود دارد: برخی معتقدند که ماهیت پول و عملکرد بانک (بانک‌داری با ذخیره‌گیری جزئی) در اقتصاد متعارف را می‌توان با مبانی فقهی و اصول اسلامی سازگار کرد. در این رویکرد، بانکداری و تأمین مالی اسلامی همان بانکداری متعارف است که در درون خود، پیش‌نیازها و مقتضیات اسلام را لحاظ کرده است. این دیدگاه نظام بانکداری متعارف را با رعایت پیش‌فرض‌های اسلامی می‌پذیرد (رویکرد بانکداری بدون ربا). در این رویکرد، ضمن حفظ ساختار بانکداری تجاری و مرکزی متعارف، سعی می‌شود معاملات و ابزارهای سیاست پولی بر اساس عقود اسلامی و ابزارهای غیربهره‌ای بازتعریف شود.

در طرف مقابل، گروهی از محققان اقتصاد اسلامی انتقاد جدی به ماهیت پول و عملکرد بانک در اقتصاد متعارف دارند. ایشان ماهیت پول خلق شده توسط بانک‌ها در نظام بانکداری متعارف را منتج از عملیات بانکی ربوی می‌دانند. این گروه معتقدند: با شکل‌گیری بانکداری متعارف و با توجه به ماهیت عملکرد آن در زمینه تجهیز و تخصیص منابع، که بر پایه قرض ربوی استوار بود، انواع جدیدی از پول پدید آمد که تا پیش از آن وجود نداشت. این شکل از پول شامل سپرده‌های دیداری و انواع سپرده‌های مدت‌دار، در واقع مولود عملکرد بانک‌ها و به صورت پول اعتباری است. از این‌رو، ماهیت پول خلق شده توسط بانک‌ها در نظام بانکداری متعارف منتج از عملیات بانکی ربوی است. بر این اساس، طرفداران دیدگاه اخیر ضمن نقد ساختار و عملیات کنونی نظام بانکی، به دنبال طراحی الگوی نهادی جدیدی برای بانکداری تجاری و مرکزی می‌باشند. در عمل نیز بیشتر طرفداران رویکرد اخیر به این موضوع توجه دارند که حرکت از وضع موجود نظام بانکداری (به طور خاص در ایران) به وضع مطلوب نظام پولی و مالی اسلامی، نیازمند یک دوره گذار است.

دو رویکرد مذکور دارای اختلاف اساسی می‌باشند. رویکرد بانکداری بدون ربا صرفاً به حل تناقض میان بانک متعارف با احکام شریعت اسلامی و قانون مدنی فقه اسلامی اکتفا می‌کند؛ اما در رویکرد طراحی نهاد پولی برای جامعه اسلامی، ماهیت نهادی و فلسفی مکتب اقتصادی اسلام در نظر گرفته می‌شود.

شهید صدر دو ویژگی عمده برای طراحی نهاد پولی در جامعه اسلامی بر می‌شمارد که عبارتند از (نقل به مضمون):
 ۱. قدرت خلق پول در انحصار دولت اسلامی است و بانک‌های خصوصی امکان خلق پول و استفاده از منافع حق آقایی را نخواهند داشت (یعنی: عملیات بانکی از محتوای سرمایه‌داری آن جدا می‌شود).

۲. حکومت اسلامی از روش‌های بانکداری متعارف (نظیر تشویق به درآمدی ثابت تحت عنوان سود) در جمع-آوری اموال و وجوه پراکنده استفاده نمی‌کند (صدر، ۱۳۹۴، ص ۲۴۲-۲۴۳).

مطالعه حاضر نیز در چارچوب این رویکرد، الگویی از بانکداری مرکزی را پیشنهاد می‌دهد که در آن بانک‌ها فاقد قدرت خلق پول بوده (ذخیره‌گیری کامل) و خلق پول تنها توسط بانک مرکزی اسلامی صورت می‌گیرد.

در سیستم بانکداری ذخیره‌گیری کامل، تمام ابزارهای نقدینگی به صورت دیداری و به صورت پایه پولی است؛ زیرا تمام بانک‌ها دارای نسبت سپرده قانونی ۱۰۰ درصد بوده و پول فقط پول بانک مرکزی (پایه پولی) است. علاوه بر این، اعتبارات تنها از طریق واسطه‌های مالی به عوامل اقتصادی اعطا می‌شود. نکته مهمی که وجود دارد این است که پایه پولی در سیستم ذخیره‌گیری کامل بر اساس تصمیم دولت انبساط می‌یابد و یا به تعبیر دیگر، خلق پول صورت می‌گیرد. از این رو، کمبود پول در اقتصاد انتظار نمی‌رود. اما همچنان این پرسش وجود دارد که انحصار بانک مرکزی و دولت در خلق پول چه پیامدهایی دارد (نظیر انتشار بی‌رویه پول و تورم) و اینکه چه محدودیت‌هایی می‌تواند برای ایجاد بدهی از سوی دولت ایجاد کرد. البته در چارچوب الگوی مطلوب بانکداری مرکزی اسلامی، اختیار بانک مرکزی برای انتشار پول نامحدود و بی‌ضابطه نیست؛ زیرا یک بانک مرکزی مسئول و پاسخگو در این سیستم، امکان خلق پول به دولت و تأمین مالی آن از طریق افزایش بدهی دولت را بیش از ظرفیت مولد اقتصاد نمی‌دهد.

در اقتصاد اسلامی، پول با ماهیت و منشأ ربوی، (که نتیجه عملیات و قدرت خلق پول بانک‌هاست)، تأیید شده نیست؛ زیرا این پول نه تنها ارتباطی با بخش حقیقی اقتصاد ندارد، بلکه گسترش و انتشار آن مخالف مصالح عموم مردم و جامعه است. در سیستم پولی و بانکداری اسلامی، نهادهای پولی صرفاً دارای نقش واسطه‌گری مالی بوده و فاقد قدرت خلق پول می‌باشند. به عقیده گروهی از محققان اقتصاد اسلامی، از منظر اسلامی، پول دارایی و مال اعتباری است (داودی و همکاران، ۱۳۸۵، ۱۵-۲۰). اما این مالیت و ارزش اعتباری را حکومت اسلامی و نه بانک‌های خصوصی، می‌تواند اعتبار (خلق) کند. از این رو، از منظر اسلامی، خلق پول در اختیار حکومت اسلامی است؛ زیرا این حق و منافع حاصل از آن برای عموم مردم است. از سوی دیگر، دولت نسبت به مدیریت پول و پیامدهای آن (نظیر تورشم) مسئول است.

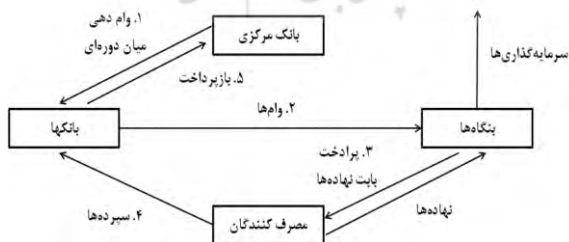
در الگوی مطلوب بانکداری مرکزی اسلامی، به سبب نبود امکان خلق پول توسط بانک‌ها، تنها پول خلق شده توسط بانک مرکزی به عنوان «پول» تعریف می‌شود و سپرده‌های دیداری و مدت‌دار در تعریف «پول» لحاظ

نمی‌شود. به تعبیر دیگر، در الگوی جدید، مفهوم و تعریف کل‌های پولی (اعم از پول، شبه پول و نقدینگی) دگرگون شده و با کل‌های پولی جدیدی مواجهیم. علاوه‌براین، در الگوی مطلوب بانکداری مرکزی اسلامی با ساختار متفاوتی در بانک‌ها روبرو می‌باشیم. بر اساس نظر صمصامی و داودی (۱۳۸۹)، با توجه به فعالیت‌های مربوط به قرض‌الحسنه، فعالیت‌های مربوط به خرید کالا و خدمات و فعالیت‌های مشارکتی در بخش حقیقی اقتصاد، می‌توان (در چارچوب الگوی فوق‌الذکر) سه شکل نهادی مؤسسات قرض‌الحسنه، مؤسسات سرمایه‌گذاری اسلامی و مؤسسات واسپاری (لیزینگ) را در نظر گرفت.

تشریح الگوی بانکداری مرکزی اسلامی

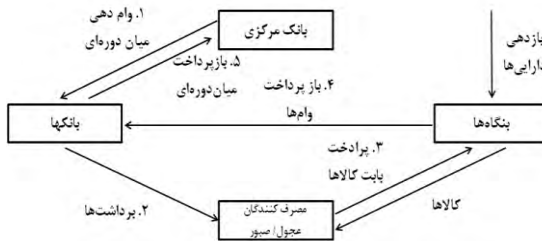
در این الگو، فرض بر آن است که پول - اعم از پول قانونی بدون پشتوانه یا همان پول فیات - تماماً توسط بانک مرکزی انتشار می‌یابد و بانک‌ها قادر به خلق پول نیستند. قراردادهای سپرده و قراردادهای وام برحسب پول معین می‌شوند و پول در معاملات استفاده می‌شوند. به عبارت دیگر، پول، هم واحد محاسبه و هم واسطهٔ مبادله است. در این الگو در هر زمان، تنها یک محصول وجود دارد که می‌تواند برای مصرف یا سرمایه‌گذاری استفاده شود. در یک اقتصاد غیرمتمرکز، چهار نهاد بانک مرکزی، بانک‌های تجاری، بنگاه‌ها، و خانوارها وجود دارند. در زمان اول، بانک مرکزی به صورت روزانه یا میان‌دوره‌ای و با نرخ بهرهٔ صفر پولی را در دسترس بانک‌های تجاری قرار می‌دهد. بانک‌ها به بنگاه‌ها وام می‌دهند تا از این پول برای خرید نهاده‌ها استفاده کرده و آن را در دارایی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت سرمایه‌گذاری کنند (شکل ۱). در زمان دوم، بانک مرکزی مجدداً وام‌های میان‌دوره‌ای را به بانک‌ها می‌دهند که آنها از این وام برای پوشش برداشت سپرده‌گذاران استفاده می‌کنند. سپرده‌گذاران به نوبهٔ خود، از این پول برای خرید کالاها از بنگاه‌ها استفاده می‌کنند. سپس بنگاه‌ها از همان پول برای بازپرداخت وام‌های خود به بانک‌ها و بانک‌ها از آن برای بازپرداخت وام‌ها به بانک مرکزی استفاده می‌کنند (شکل ۲).

شکل ۱. جریان وجوه در زمان یک



۱. بانک‌ها وجوه را از بانک مرکزی قرض می‌گیرند. ۲. بنگاه‌ها وجوه را از بانک‌ها قرض می‌گیرند. ۳. بنگاه‌ها نهاده‌ها را از مصرف‌کنندگان خریداری می‌کنند. ۴. مصرف‌کنندگان وجوه خود را در بانک‌ها سپرده‌گذاری می‌کنند. ۵. بانک‌ها قرض میان‌دوره‌ای خود را به بانک مرکزی به بازپرداخت می‌نمایند.

شکل ۲. جریان وجوه در زمان دو



۱. بانکها وجوه را از بانک مرکزی قرض می‌گیرند. ۲. مصرف کنندگان سپرده‌های خود را از بانکها برداشت می‌کنند. ۳. مصرف کنندگان کالاها را از بنگاهها خریداری می‌کنند. ۴. بنگاهها بخشی از قرض خود را به بانکها می‌پردازند. ۵. بانکها قرض میان دوره‌ای خود را به بانک مرکزی می‌گردانند.

عرضه پول، که توسط بانک مرکزی ایجاد شده است، جریانی را به وجود می‌آورد: از بانک مرکزی به بانکها، از بانکها به بنگاهها، از بنگاهها به مصرف کنندگان، و از مصرف کنندگان به بانکها و در نهایت، با بازگرداندن وجوه به بانک مرکزی. در هر مرحله، مقدار یکسانی از پول بین عاملان فوق منتقل می‌گردد، به گونه‌ای که تقاضای خالص برای پول در پایان دوره، صفر است. در این چارچوب، بانکها قابلیت خلق پول ندارند و تنها پول بانک مرکزی در جریان است. علاوه بر این، نظریه «مقداری پول در تعادل» برقرار است؛ زیرا سطح قیمت در هر زمان، متناسب با عرضه پولی است که توسط بانک مرکزی به بانکها اختصاص داده شده است. این نتیجه از شرط تسویه کردن بازار در بازار کالا در هر زمان پی‌روی می‌کند. بانک مرکزی می‌تواند نرخ بازدهی اسمی و نرخ تورم انتظاری را مهار کند، اما تأثیری بر تخصیص تعادلی کالاها ندارد.

در چارچوب الگوی پیشنهادی، دولت و بانک مرکزی می‌توانند برای تأمین نقدینگی در گردش مورد نیاز جامعه اقدام به خلق پول و اعتبار کنند. همچنین هنگامی که اقتصاد پایین‌تر از ظرفیت حقیقی خود در حال تولید است، بانک مرکزی از طریق انتشار پول و خلق اعتبار، زمینه رشد اقتصادی و افزایش اشتغال را فراهم می‌سازد. اختصاص حق کامل خلق پول به بانک مرکزی این امکان را فراهم می‌کند که منافعی از بابت حق آقایی کسب کند؛ اما چون حق خلق پول متعلق به حکومت اسلامی است و بانک مرکزی نیز یک نهاد عمومی است، در نهایت، منافع آن نیز برای تمام اقشار جامعه خواهد بود. در این ساختار، بانک مرکزی به‌عنوان وام‌دهنده نهایی کل شناخته می‌شود که تسهیلات بدون بهره را به‌منظور تثبیت رشد اقتصادی به بانکها ارائه می‌کند.

اجرای الگوی مطلوب بانکداری مرکزی اسلامی

در الگوی پیشنهادی به واسطه قبول رویکرد ذخیره‌گیری کامل، عملاً تسهیلات دهی بانکهای تجاری متوقف می‌شود. اما بانکهای سرمایه‌گذاری می‌توانند صندوقهای سرمایه‌گذاری را طرحهای متفاوتی جهت‌دهی کنند و با انتشار اوراق (متصل به سرمایه‌گذاری) یا سهام، آن را در بازار مبادله کنند. در الگوی ارائه شده، مقدار پول مستقل از مقدار اعتبار است. از این رو، می‌توان این دو را به طور جداگانه کنترل کرد. پول را می‌توان به طور مستقیم از طریق

قاعده رشد پولی کنترل کرد. علاوه بر این، کنترل رشد اعتبارات ساده تر خواهد بود؛ زیرا بانک‌ها دیگر قادر نخواهند بود (به صورت کنونی) بر اساس منافع مالی و منفعت خود، اعتبار و سپرده ایجاد کنند و مزایا و منافع فوق العاده‌ای را برای خود کسب کنند. در عوض، بانک‌ها به آنچه امروزه بسیاری به اشتباه به آن اعتقاد دارند (واسطه‌گر مالی خالص) تبدیل خواهند شد. در الگوی ارائه شده، بانک‌ها قبل از اینکه قادر به قرض دادن باشند، دریافت‌کننده منابع مالی از خارج از بانک می‌باشند. از این رو، با توجه به رویکرد بانک‌ها به ریسک اعتباری، توانایی بانک‌ها برای ایجاد چرخه‌های تجاری و مخاطرات حاصل از آن نیز کاهش می‌یابد.

حرکت از الگوی کنونی بانکداری مرکزی به الگوی مطلوب «بانکداری مرکزی اسلامی» در ابتدا مستلزم ایجاد تغییر در رویکرد خلق پول و عملکرد بانک‌هاست، به گونه‌ای که در نهایت و پس از مرحله گذار از وضع موجود به وضع مطلوب، در سمت دارایی ترازنامه بانک‌ها و مؤسسات مالی، بدهی‌ها و اعتبارات پولی جای خود را به ترکیبی از ذخایر نزد بانک مرکزی و دارایی‌های غیرپولی، نظیر سهام، سرمایه‌گذاری یا اوراق مالی اسلامی (نظیر اسناد خزانه اسلامی، صکوک و مانند آن) بدهند. به تعبیر دیگر، در الگوی ارائه شده، وظیفه واسطه‌گری وجوه از عملکرد اعتباری بانک‌ها تفکیک شده و بانک‌ها و مؤسسات پولی به کارکرد اصلی خود، که همان واسطه‌گری خالص مالی است، بازمی‌گردند.

از منظر ترازنامه‌ای، چون در الگوی بانکداری مرکزی اسلامی لازم است به میزان سپرده‌های بخش غیردولتی نزد بانک‌ها (در سمت بدهی ترازنامه بانک‌ها) ۱۰۰ درصد سپرده قانونی اخذ گردد، از این رو، در مرحله گذار، تنها یکبار به میزان کل ذخایر قابل تودیع نزد بانک مرکزی، حساب بانک نزد بانک مرکزی یا دولت بدهکار خواهد شد (به عبارتی دیگر، بانک به میزان سپرده قانونی قابل تودیع به بانک مرکزی یا دولت بدهکار می‌شود). در مرحله بعد و به منظور اصلاح ترازنامه بانک، مطالبات بانک از بخش غیردولتی (در سمت دارایی ترازنامه بانک) به بانک مرکزی یا دولت منتقل می‌شود و با بخشی از مطالبات بانک مرکزی یا دولت از بانک تسویه می‌گردد. در نهایت، سمت دارایی‌های ترازنامه بانک تنها شامل ذخایر قانونی نزد بانک مرکزی (به میزان کل سپرده‌ها) و سرمایه‌گذاری‌های بانک، و سمت بدهی‌های بانک شامل سپرده بخش غیردولتی، سرمایه و سهام و مانده بدهی بانک به دولت می‌گردد (شکل ۳).

شکل ۳. نمونه تغییر در ترازنامه بانک‌ها در دوره گذار از وضع موجود به وضع مطلوب (واحد)

پس از اجرای الگوی جدید		در مرحله گذار				قبل از اجرای الگوی جدید	
دارایی		بدهی		دارایی		بدهی	
ذخایر قانونی	۱۸۰	سپرده بخش غیردولتی	۱۸۰	بدهی بخش غیردولتی	۱۲۰	سپرده بخش غیردولتی	۱۸۰
		سرمایه و سهام	۴۰	سرمایه‌گذاری	۸۰	سرمایه و سهام	۳۰
		بدهی به بانک مرکزی دولت	۱۸۰	ذخایر قانونی	۱۸۰		

در ترازنامه مربوط به قبل از اجرای الگوی جدید، فرض شده است که بانک ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی نگهداری نمی‌کند.

وظایف بانکداری مرکزی اسلامی

با توجه به رویکرد انتخاب شده در مورد ماهیت پول و عملکرد نظام بانکی در اسلام (محیط بانکداری اسلامی)، و همچنین پذیرش رویکرد «وظیفه‌ای» به بانکداری مرکزی، ارائه شده توسط *اولگینسی* (۲۰۱۷)، در مقابل رویکرد «نهادی» *گودهارت* (۱۹۸۵)، وظایف بانکداری مرکزی اسلامی را می‌توان در چهار گروه زیر طبقه‌بندی کرد:

الف. مدیریت سیستم‌های پرداخت و تسویه؛

ب. نظارت بر مؤسسه‌های پولی و اعتباری اسلامی؛

ج. خلق پول و مدیریت عرضه پول؛

د. تنظیم، کنترل و هدایت گردش پول و اعتبار به سمت فعالیت‌های تولیدی.

هرچند ممکن است وظایفی نظیر مدیریت سیستم‌های پرداخت و تسویه و نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری برای بانکداری مرکزی اسلامی در عنوان، تشابهاتی با وظایف بانکداری مرکزی در اقتصاد متعارف داشته باشد، اما نکته اساسی آن است که با توجه به عملکرد و محیط متفاوت بانکداری اسلامی از بانکداری ربوی، کارکردها و محتوای وظایف بانک مرکزی و بانکداری مرکزی اسلامی، از کارکردها و محتوای وظایف بانک مرکزی و بانکداری مرکزی متعارف متفاوت خواهد بود. برای نمونه، یکی از مهم‌ترین وظایف بانکداری مرکزی در اقتصاد متعارف، مدیریت و هدایت سیاست پولی است. در الگوی بانکداری مرکزی اسلامی، با توجه به نبود امکان خلق پول توسط بانک‌ها، بحث هدایت سیاست پولی با استفاده از ابزارهای سیاست پولی و تأثیر آن بر بازار پول محل توجه نیست؛ زیرا پول، تنها پول بانک مرکزی است، هرچند باید به این مهم توجه داشت که مهار تورم و کمک به رشد اقتصادی پایدار و بلندمدت در چارچوب بانکداری مرکزی اسلامی از طریق خلق پول و مدیریت عرضه آن میسر می‌گردد. از سوی دیگر، مهم‌ترین وجه تمایز وظایف بانکداری مرکزی در اقتصاد اسلامی از اقتصاد متعارف، وظیفه «هدایت گردش پول و اعتبار به سمت فعالیت‌های تولیدی» است که در ادامه، با تفصیل بیشتر بیان می‌شود.

تنظیم، مهار و هدایت گردش پول و اعتبار

در بانکداری مرکزی متعارف، هدایت اعتبار به سمت فعالیت‌های تولیدی از وظایف بانک مرکزی محسوب نمی‌شود. در این سیستم، وظیفه توزیع و تخصیص منابع مالی به عهده بازارهای پولی و مالی و بر اساس میزان عرضه و تقاضا و با توجه به معیار سودآوری فعالیت‌های اقتصادی است. در بانکداری متعارف، هیچ تضمینی وجود ندارد که وام‌دهی و خلق اعتبار بانک‌ها در جایی تخصیص یابد و یا مصرف شود که منجر به تأمین منافع عمومی و جامعه گردد. برای نمونه، بر اساس آمارهای منتشر شده توسط بانک مرکزی، در سال ۱۳۹۷ بالغ بر ۷۷۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات به بخش‌های گوناگون اقتصادی (با رشدی معادل ۲۶ درصد نسبت به سال ۱۳۹۶) پرداخت شده است. این در حالی است که بر اساس گزارش‌های «مرکز آمار ایران»، نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۷ قریب منفی ۵ درصد و نرخ تورم نزدیک به ۳۰ درصد بوده است. از این رو، ملاحظه می‌شود که عملکرد نظام بانکی در

ایران (علی‌رغم ادعای غیررئوی بودن) نه تنها کمک چندانی به اقتصاد ملی نکرده، بلکه در عمل، آثاری به مراتب مخرب‌تر از بانکداری متعارف برای اقتصاد کشور به همراه داشته است.

در چارچوب الگوی پیشنهادی «بانکداری مرکزی اسلامی»، به سبب نبود امکان خلق پول از سوی بانک‌ها، بانک مرکزی اسلامی وظیفه دارد تا با استفاده از اختیارات قانونی خود و هماهنگی با راهبردهای صنعتی و توسعه‌ای جامعه اسلامی، درباره تعیین طرح‌ها، اولویت صنایع وام‌گیرنده و محل تخصیص آنها و میزان اعتبارات اعطایی نقش تنظیم‌کننده و هدایت‌گر داشته باشد. این امر از آنجا ناشی می‌شود که حکومت اسلامی به طور عام، و بانک مرکزی اسلامی به طور خاص، دارای نقشی حمایت‌گرا و هدایت‌گر در عرصه تولید و اشتغال است و اهتمام ویژه‌ای به رشد و پیشرفت اقتصادی جامعه اسلامی دارند.

در الگوی پیشنهادی، بانک مرکزی اسلامی قدرت خلق اعتبار نظام بانکی را به طور کامل سرکوب کرده است و خلق پول و اعتبار صرفاً در اختیار حکومت اسلامی قرار دارد تا از آن در جهت رشد و تقویت اقتصاد ملی استفاده کند. به عبارت دیگر، در چارچوب الگوی «بانکداری مرکزی اسلامی»، بانک‌ها و نهادهای پولی - به معنای واقعی کلمه - به نقش واسطه‌گری مالی خود باز خواهند گشت. تجربه‌های سال‌های اخیر نظام بانکی مؤید این نکته است که با وجود اجرای قانون «عملیات بانکی بدون ربا»، بازار پول در تخصیص منابع به سمت فعالیت‌های تولیدی ناکارآمد بوده و در کنار سایر شوک‌های برون‌زا (نظیر تحریم‌های بین‌المللی)، خود به یکی از مهم‌ترین معضلات اقتصادی کشور تبدیل شده است.

نقش بانک مرکزی اسلامی در تخصیص و هدایت اعتبارات به دو دلیل زیر قابل توجیه است:

اول. هدایت تسهیلات می‌تواند یک ابزار کلیدی و مهم در جهت سیاست‌ها و اولویت‌های اقتصادی باشد که در غیاب آن، سایر ابزارهای سیاستی، مانند تعرفه و یارانه نمی‌توانند کارایی لازم را داشته باشند؛

دوم. دولت دارای یک مزیت نسبی در هدایت تسهیلات است؛ زیرا اطلاعات بهتری نسبت به بخش‌های اقتصادی دارد. در ساختار بانک مرکزی اسلامی، باید بخشی را به‌عنوان «مرکز کنترل هدایت اعتبار» تأسیس کرد تا در آن بر اساس برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهای تدوین شده از سوی دولت، درباره اولویت صنایع وام‌گیرنده (صنایع پیشران)، تعیین طرح‌ها و محل تخصیص آنها و میزان اعتبارات اعطایی، نقش کنترلی و هدایت‌گر ایفا کند. در این ساختار، مرکز هدایت کنترل اعتبار با برگزاری جلسات منظم میان بانک مرکزی و بانک‌ها (به‌عنوان واسطه‌گران مالی در چارچوب جدید) در خصوص میزان وام‌دهی و نحوه تخصیص بین بخش‌های گوناگون اقتصادی رهنمود لازم را به بانک‌ها ارائه خواهد داد. بانک‌ها ملزم می‌باشند تأییدیه و مجوزهای لازم را از بانک مرکزی برای طرح‌های اعتباری و مصارف تسهیلاتی دریافت دارند و گزارش عملکرد خود را به مرکز کنترل هدایت اعتبار ارائه دهند.

با تنظیم، کنترل و هدایت پول و اعتبار، تمام تسهیلات نه تنها به بخش‌ها و زیربخش‌های اقتصادی تخصیص می‌یابد، بلکه بر حسب اندازه بنگاه‌های اقتصادی (کسب و کارهای کوچک و متوسط و کسب و کارهای بزرگ) و نوع استفاده از تسهیلات (نظیر تأمین ماشین‌آلات و تجهیزات، فناوری، تحقیق و توسعه و تولید دانش و تأمین سرمایه در گردش) مشخص می‌شود. همچنین به‌منظور شفافیت، نظارت و دسترسی دقیق بانک مرکزی اسلامی به اطلاعات،

تمام اطلاعات تسهیلات گیرندگان به صورت برخط در اختیار بانک مرکزی خواهد گرفت. در چارچوب الگوی «بانکداری مرکزی اسلامی» و با توجه به نبود امکان خلق پول و اعتبار توسط بانکها، در عمل، بانکها و نهادهای پولی به‌عنوان واسطه و جوجه عمل کرده و بازوی بانک مرکزی در اجرای سیاست‌های اعتباری محسوب می‌شوند.

راهکارهای ارتقای عملکرد بانک مرکزی در اقتصاد ایران در چارچوب الگوی پیشنهادی بانک مرکزی اسلامی

با توجه به «الگوی بانکداری مرکزی» پیشنهادی در مطالعه حاضر و همچنین با توجه به چالش‌های موجود در نظام بانکی، می‌توان راهکارهای زیر را برای ارتقای عملکرد بانک مرکزی در اقتصاد ایران دنبال کرد:

– ایدئال اقتصاد اسلامی نبود بازار پول است. اما در مرحله گذار از وضع موجود به وضع مطلوب، ناگزیر بازار پول وجود دارد. از این‌رو، باید از ابزارهای مستقیم سیاست پولی شامل تعیین سقف اعتباری برای هر بانک، الزام بانکها به رعایت نسبت‌های احتیاطی، اعتبارات هدایت شده و غیر آن استفاده کرد. در این زمینه، توجه به سمت دارایی ترازنامه بانکها با هدف مدیریت عرضه پول و کنترل خلق پول و اعتباردهی بانکها در چارچوب اهداف و سیاست‌های بانک مرکزی از اهمیت زیادی برخوردار است. استفاده از این ابزار در مراحل ابتدایی تحول پولی به سمت اسلامی کردن نظام بانکی، لازم است.

– پس از ارزیابی کیفیت دارایی‌های بانکها و مؤسسات اعتباری، طی یک مرحله زمان‌بندی شده، ساختار نظام بانکی باید به سمت اسلامی شدن (بر مبنای الگوی ارائه شده) حرکت کند و همزمان بانکها و مؤسسات اعتباری مشکل‌دار در فرایند حل و فصل قرار گیرند و بانکهای کوچک و فاقد مشکل نیز با یکدیگر ادغام شوند.

– با راه‌اندازی سیستم جامع اطلاعات مشتریان و ذی‌نفعان نظام بانکی در بانک مرکزی، علاوه بر پایش تمام نقل و انتقالات بانکی و نظارت بر فعالیت بانکها و مؤسسات اعتباری، می‌توان بر نحوه مصرف تسهیلات و اعتبارات نظارت کرد. این امر می‌تواند کمک شایانی به بحث مهار و هدایت پول و اعتبار داشته باشد.

– با توجه به اهمیت هدایت تسهیلات بانکی به بخش‌های تولیدی اقتصاد، در ساختار بانک مرکزی اسلامی، لازم است بخشی به‌عنوان مرکز مهار هدایت اعتبار تأسیس شود تا در آن بر اساس برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهای صنعتی تدوین شده از سوی دولت، درباره تعیین طرح‌ها، اولویت صنایع وام‌گیرنده و محل تخصیص آنها و میزان اعتبارات اعطایی نقش کنترلی و هدایت‌گری ایفا کند. در این ساختار، مرکز هدایت مهار اعتبار با برگزاری جلسات منظم میان بانک مرکزی و بانکها در خصوص میزان وام‌دهی و نحوه تخصیص بین بخش‌های گوناگون اقتصادی، رهنمود لازم را به بانکها ارائه خواهد داد.

– برای شفافیت، نظارت و دسترسی دقیق بانک مرکزی اسلامی به اطلاعات و عملکرد اعتباری بانکها، تمام اطلاعات تسهیلات گیرندگان، نظیر اطلاعات هویتی؛ اطلاعات محصول و خدمت بر اساس کد ISIC در سطوح ۸ و ۱۰ رقی؛ میزان سرمایه‌گذاری ثابت طرح و میزان تسهیلات درخواستی به تفکیک ارزی و ریالی؛ اطلاعات کلی از مشخصات ماشین‌آلات طرح، اعم از ظرفیت، قیمت و کشور سازنده، ظرفیت تولیدی طرح برای هر یک از محصولات به تفکیک کد ISIC، و قیمت مواد اولیه و فروش لحاظ شده در طرح و محل، اجرای طرح به صورت برخط در اختیار بانک مرکزی خواهد بود.

- ساختار سازمانی و نیروی انسانی بانک مرکزی با توجه به وظایف آن در ساختار بانکداری مرکزی اسلامی بازنگری شده، تجهیز گردد.

- قوانین و مقررات لازم در جهت پیاده‌سازی الگوی جدید «بانکداری مرکزی اسلامی» تدوین شده، به تصویب مراجع قانونی برسد.

نتیجه‌گیری

نظام پولی و بانکی متعارف ساخته ذهن بشر و برگرفته از نیازمندی‌های آن و منطبق بر ارزش‌ها و بسترهای فکری آن بوده و دائم در حال تغییر و دگرگونی است. چنین نظامی را نمی‌توان به‌عنوان یک قانون و یا یک امر قطعی تلقی کرده و هر نظری مخالفی را مردود دانست. گذشته از آنکه از درون اقتصاد متعارف، انتقادهای جدی بر عملکرد نظام بانکی و ماهیت پول مطرح شده و ایده‌های جدیدی برای اصلاح نظام پولی و بانکی پیشنهاد شده است.

در اقتصاد اسلامی نیز به فراخور ارزش‌ها و چارچوب‌های جامعه اسلامی، لازم است نهادهای اقتصادی همچون «بانکداری مرکزی» و «بانک مرکزی اسلامی» ایجاد شود. پیش‌نیاز بانکداری مرکزی اسلامی دارا بودن بانک و ساختار پولی اسلامی است. برخی محققان اقتصاد اسلامی در حوزه پولی و بانکداری، تصور می‌کنند صرفاً با تبیین عقود اسلامی، تغییر شکل عملیات بانکی (بدون توجه به ماهیت پول و عملیات نظام بانکی) و اسلامی‌سازی ابزارهای متعارف سیاست پولی (بدون توجه به ماهیت و چرایی بانک مرکزی و بانکداری مرکزی در اقتصاد متعارف)، می‌توان مشکلات نظام پولی و بانکی را حل کرد و به اهداف اقتصاد اسلامی دست یافت. این در حالی است که خروجی و نتیجه عملکرد چهل ساله «بانکداری بدون ربا» در ایران، مجموعه قابل توجهی از مشکلات و چالش‌های نظام بانکی را به دنبال داشته است.

در الگوی پیشنهادی مقاله، برای بانکداری مرکزی اسلامی، ساختار جدیدی از نظام پولی و بانکی شکل می‌گیرد که در آن بانک‌ها فاقد قدرت خلق پول بوده (ذخیره‌گیری کامل)، و خلق پول تنها توسط بانک مرکزی اسلامی صورت می‌گیرد. در این الگو نهاد بانک به جایگاه واقعی واسطه‌گری مالی بازمی‌گردد. با توجه به پیش‌فرض‌های در نظر گرفته شده در الگوی پیشنهادی، وجه تمایز بارز بانکداری مرکزی اسلامی در مقایسه با بانکداری مرکزی متعارف، نگرش متفاوت به ماهیت پول و بانک و به تبع آن، طراحی بانک مرکزی اسلامی با ساختار و وظایف متفاوت است. مهم‌ترین وظایف بانک مرکزی اسلامی خلق پول و مدیریت عرضه پول و هدایت پول و اعتبار به سمت فعالیت‌های تولیدی با هدف بیشینه‌سازی رشد اقتصادی، افزایش اشتغال، و کمک به بهبود عدالت اقتصادی است.

با توجه به چالش‌های موجود نظام بانکداری در ایران و انطباق نداشتن آن با روح حاکم بر بانکداری اسلامی، ملاحظه می‌شود که نظام بانکی کشور نه تنها کمک‌چندانی به رشد تولید و ارتقای بخش حقیقی اقتصاد نکرده است، بلکه خود به‌عنوان بستری برای انحراف منابع مالی به سمت فعالیت‌های غیرمولد درآمده و در عمل، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران (از طریق انباشت حجم بالای نقدینگی و تداوم تورم‌های دو رقمی) تبدیل شده است. از این‌رو، تنها راه‌هایی اقتصاد کشور از معضلات کنونی در نظام بانکی، اصلاح ساختاری نظام بانکی و در پی آن، اصلاح بانکداری مرکزی و بانک مرکزی بر مبنای ارزش‌ها و تفکر اسلامی است.

- توتونچیان، ایرج، ۱۳۷۹، *پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری*، تهران، توانگران.
- داودی، پرویز و همکاران، ۱۳۸۵، *پول در اقتصاد اسلامی، تهران، تهران، سمت.*
- شعبانی، احمد، ۱۳۹۰، *پول، بهره و تورم، تهران، دانشگاه امام صادق*.
- ____، ۱۳۹۲، *بانکداری اسلامی؛ رویکردی اقتصادی و فقهی*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- صدر، محمدباقر، ۱۳۹۴، *اسلام راهبر زندگی، مکتب اسلام، رسالت ما، ترجمه مهدی زندیه، قم، دارالصدر.*
- صمصامی، حسین و پرویز داودی، ۱۳۸۹، *به سوی حذف ربا از نظام بانکی*، تهران، دانایی و توانایی.
- صمصامی، حسین، ۱۳۹۴، «بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۱۳، ص ۱۰۹-۱۳۰.
- ملکی، منصور، ۱۳۹۳، *تبیین کارکردها و ترتیبات نهادی بانکداری مرکزی اسلامی*، دانشگاه تهران، رساله دکتری در رشته علوم اقتصادی گرایش پولی.
- فراهانی‌فرد، سعید، ۱۳۷۸، *سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کمیجانی، اکبر و همکاران، ۱۳۹۲، «قاعده سیاست پولی مطلوب در محیط بانکداری بدون ربا»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۵۰، ص ۳۱-۵۸.
- مجاهدی موخر، محمدمهدی و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار»، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ش ۶۵، ص ۲۰۱-۲۳۰.
- موسویان، سیدعباس و حسین میثمی، ۱۳۹۵، *بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری - تجارب عملی*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ____، ۱۳۹۶، *بانکداری اسلامی (۲): بانکداری مرکزی اسلامی و سیاست‌گذاری پولی و ارزی*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- Ahmad, ausaf, 2000, *Instruments of Regulation and Control of Islamic Banking by The Central Banks*, Islamic Development Bank, Working paper.
- Akhtar Hossain, Akhand, 2009, *Central Banking and Monetary Policy in in the Asia-Pacific*, Edward Elgar Publishing.
- ____, 2015, *Central Banking and Monetary Policy in Muslim-Majority Countries*, Edward Elgar Publishing.
- Andersen, Steffen A, 2016, *The Origins and Nature of Scandinavian Central Banking*, palgrave Macmillan.
- Askari, hossein, and Iqbal, zamir, and Mirakhor, abbas, 2015, *Introduction to Islamic Economies Theory and Application*, John Wiley & Sons Singapore Pte. Ltd.
- Benes, J. and Kumhof, M, 2012, *The Chicago Plan Revisited*, IMF Working Paper, WP/12/202.
- Blinder, Alan S, 1998, *Central Banking in Theory and Practice*, the MIT Press.
- ____, 2004, *The Quiet Revolution Central Banking Goes Modern*, Yale University Press.
- Bordo, Michael D, 2007, *A Brief History of Central Banks*, Federal Reserve Bank of Cleveland.
- Cecchetti, Stephen G. and Schoenholtz, Kermit L, 2015, *Money, Banking, and Financial Markets*, Fourth Edition, McGraw-Hill Education.
- Chapra, umer, 1983, *Monetary Policy in an Islamic Economy*, International Centre for Research in Islamic Economics in Jeddah, Working Paper.
- ____, 1996, "Monetary Management in an Islamic Economy", *Islamic Economic Studies*, v. 4, p. 1-35.
- Ciocca, Pierluigi. (2015), *Stabilising Capitalism; A Greater Role for Central Banks*, Palgrave Macmillan.
- Davies, Howard. And Green, David, 2010, *Banking on the Future; the fall and rise of central banking*, Princeton University Press.
- De Soto, J. H, 2006, *Money, Bank Credit, and Economic Cycles*, Ludwig von Mises Institute,

- Alabama, USA.
- Di Muzio, T. and Robbins. R.H, 2017, *An Anthropology of Money; A Critical Introduction*, Routledge.
- Dixhoorn, C.V, 2013, *Full Reserve Banking: An analysis of four monetary reform plans*, working paper, The sustainable finance lab, Utrecht, Netherlands.
- Fisher, Irving, 1936, "100% Money and Public Debt", *Economic Forum*, P. 406-420.
- Goodhart, Charles, 1985, *The Evolution of Central Banks*, MIT Press.
- Jackson, A. and B. Dyson, 2012, *Modernizing Money: Why our Monetary System is Broken and How it can be Fixed*, London: Positive Money.
- Kahf, Monzer, 2005, Islamic Banking and Development: an alternative banking concept? <http://monzer.kahf.com/>.
- Kay, J, 2009, *Narrow Banking: The Reform of Banking Regulation*, Centre for the Study of Financial Innovation.
- Khatat, Mariam El Hamiani, 2016, *Monetary Policy in the Presence of Islamic Banking*, International Monetary Fund (IMF), Working Paper.
- Kotlikoff, L. J, 2010, *Jimmy Stewart is Dead: Ending the World's Ongoing Financial Plague with Limited Purpose Banking*, Hoboken, N.J. Wiley.
- Mcleay, M and et al, 2014, "Money creation in the modern economy", in: *Quarterly Bulletin 2014 Q1*, Bank of England.
- Mishkin, F. S. and et al. 2013, *The economics of money, banking and financial markets*, Pearson Education.
- Moenjok, Thammarak, 2014, *Central Banking Theory and Practice in Sustaining Monetary and Financial Stability*, John Wiley & Sons Singapore Pte. Ltd.
- Muttalib, sekoni abiola, 2016, "Role of central bank in a dual banking system and the regulatory challenges", *Basic Research Journal of Business Management and Accounts*, Vol. 5, No. 4, P. 36-41.
- Rowbotham, M, 2009, *The Grip of Death: A study of modern money, debt slavery and destructive economics*, Jon Carpenter Publishing, Charlbury, UK.
- Siklos, Pierre L. 2017, *Central banks into the breach: from triumph to crisis and the road ahead*, Oxford University Press.
- Siklos, Pierre L. and Bohl, Martin T. and Wohar, Mark E, 2010, *Challenges in Central Banking*, Cambridge University Press.
- Smith, Vera C, 1990, *The Rational of Central Banking and the Free banking Alternative*, Liberty Fund Publishing.
- Uddin, akther and Halim, asyraf, 2015, Islamic monetary policy: Is there an alternative of interest rate? Munich Personal RePEc Archive, Working paper.
- Ugolini, Stefano 2017, *The Evolution of Central Banking: Theory and History*, Palgrave Macmillan.
- Werner, R, 2014, "Can banks individually create money out of nothing – The Theories and the Empirical Evidence", *International Review of Financial Analysis*, No. 36, P. 1-19.
- _____, 2016, "A lost century in economics: Three theories of banking and the conclusive evidence", *International Review of Financial Analysis*, No. 46, P. 361-379.
- Wood, John H, 2005, *A History of Central Banking in Great Britain and the United States*, Cambridge University Press.
- _____, 2015, *Central Banking in a Democracy; The Federal Reserve and its alternatives*, Routledge.
- Zangeneh, hamid and Salam, ahmad, 1993, "Central Banking in an Interest-Free Banking System", *Islamic Econ*, Vol. 5, P. 25-36.
- Zarlenga, S, 2002, *The Lost Science of Money; The Mythology of Money-The Story of Power*, American Monetary Institute, NY, USA.